



هنرمند

... باید که خاک در که این نثر شوی



پیشنهادات اهالی سینما برای رئیس جدید سازمان سینمایی:

از معیشت و بیمه سینماگران تا امیدواری برای حضور همه هنرمندان



«احمد بهرامی» نویسنده و کارگردان فیلم «شهر خاموش» در گفتگو با «هنرمند»:

روایت معضلی جهانی در قالب قصه‌ای انسانی



وداع یا فرمانده راه مقاومت از نجف و کربلا تا تهران؛ برگزاری مراسم تشییع سر لشکر شهید نیلفروشان در تهران



عکس: مژده اکبری

«سپیده آرمان» بازیگر نمایش «باغ شب نمای ما» در گفتگو با «هنرمند»:

امکانات و منابع مالی تئاتر قابل مقایسه با سینما نیست

سرنوشت آینده شغلی رشته‌های گرافیک با رشد هوش مصنوعی چه می‌شود؟

پایان کار پلتفرم‌های غیرفعال همراه با چند نکته مهم

کنسرت بانوان ستاره قطبی در تالار وحدت



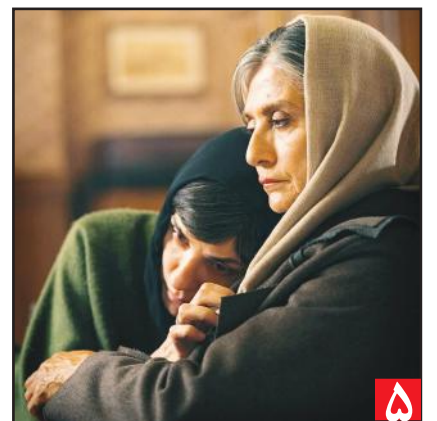
سخنگوی دولت تاکید کرد:

تورم قابل کتمان نیست، تلاش دولت مهار تورم است



«امین سالمی» رهبر ارکستر نوای آفتاب در گفتگو با «هنرمند»:

سالن‌های موسیقی ما با استانداردهای جهانی خیلی تفاوت دارند



درباره سریال «بازنده» اثر «امین حسین پور»:

پرفکت!

بنی ائمه ایضایی بندر سبزند

ایران همدل

یوش کمک به مردم مظلوم فلسطین و لبنان

باشماره گیری #۱۴* ویواریزه شماره کارت

۶۰۳۷-۹۹۸۲-۰۰۰۰-۰۰۰۷

رعایت حریم خطوط لوله فشار قوی انتقال گاز حفظ امنیت و سلامت شما را به ارمان می آورد.

نوبت دوم

فراخوان مناقصه شماره سی - ۱۴۰۳ - ۲۴ (عمومی / یک مرحله ای / ارزیابی ساده)

منطقه پنج عملیات انتقال گاز در نظر دارد خدمات موضوع بند یک را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی ساده واگذار نماید. لذا از مناقصه گران واجد شرایط دعوت بعمل می آید جهت دریافت همزمان اسناد مناقصه، به ترتیب زیر اقدام نمایند.

(۱) موضوع مناقصه: «پایش وضعیت تجهیزات و دستگاه ها از طریق آنالیز روغن»

(۲) نام و نشانی مناقصه گزار: شیراز - بزرگراه امام خمینی (ره) - حد فاصل شهرک فرهنگیان و فرزاتگان - منطقه پنج عملیات انتقال گاز

(۳) مبلغ برآورد اولیه مناقصه عبارتست از: ۲۳,۵۶۱,۸۰۰,۰۰۰ (سی و سه میلیارد و پانصد و شصت و یک میلیون و هشتصد هزار) ریال می باشد.

(۴) مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار عبارتست از مبلغ ۱,۶۷۹,۰۰۰,۰۰۰ (یک میلیارد و ششصد و هفتاد و نه میلیون) ریال که مناقصه گیر می بایست براساس تصویب نامه شماره ۵۰۶۵۹ ات/۱۳۴۴۰۲ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران نسبت به تهیه آن اقدام نموده، تصویر آن را در سامانه بارگذاری نموده و نسخه اصل آن را نیز در پاکت الف بصورت فیزیکی به کارفرما تسلیم نماید.

(۵) نحوه دریافت اسناد مناقصه، عودت، تحویل، بازگشایی و پیشهاد قیمت مناقصه گران: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکاتی الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازمست مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

۱-۵ تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تدارکاتی الکترونیکی دولت (ستاد) روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ می باشد.

۲-۵ شایان ذکر است مناقصه گرانی مجاز به شرکت در این مناقصه می باشند که دارای گواهی ها/ مستندات زیر باشند و تصویر این مدارک را همپور به مهر و امضاء نفرات مجاز شرکت کرده و در سامانه ستاد بارگذاری نمایند.

✓ گواهینامه صلاحیت معتبر کد ۱۷۰۲۵ آزمایشگاه یا گواهی تأیید صلاحیت معتبر آزمایشگاه همکار از مرکز ملی تأیید صلاحیت ایران یا سازمان ملی استاندارد

✓ مستندات کد اقتصادی، شناسنامه ملی، گواهی ثبت نام مودیان مالیات بر ارزش افزوده، اسنادنامه، آگهی تاسیس و تغییرات شرکت

۶ آخرین مهلت دریافت (دانلود) اسناد مناقصه: ساعت ۱۸ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

۷ آخرین مهلت بارگذاری / عودت اسناد مناقصه: ارائه پیشنهاد قیمت ساعت ۱۸ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

۸ گشایش پیشنهادها: ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۳ در سالن شهید دوران اداره مرکزی شیراز می باشد و در صورت تغییر مراتب طی اطلاعیه حین برگزاری مناقصه به مناقصه گران اطلاع رسانی می گردد.

۹ در صورت نیاز به توضیحات تکمیلی جهت موارد مرتبط با مناقصه و پیمانی با شماره تلفن ۰۷۱۳۸۱۳۳۳۱۹ و ۰۷۱۳۸۱۳۳۳۱۰ و موارد مرتبط فنی و اجرایی با شماره تلفن ۰۷۱۳۸۱۳۳۴۳۱ تماس حاصل نمایند.

۱۰ شماره فراخوان در سامانه ستاد ۲۰۰۳۰۹۳۲۶۱۰۰۰۴۳ می باشد.

۱۱ اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

- مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶

- تاریخ آگهی نوبت اول: سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

- تاریخ آگهی نوبت دوم: چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

شناسه آگهی: ۱۸۰۵۹۹۷ (۸۷۲۰۰۳۴۲)

روابط عمومی منطقه پنج عملیات انتقال گاز

پذیرش تلفنی آگهی های مفقودی در روزنامه «هنرمند»

تلفن تماس: ۷۷۸۵۱۷۲۵-۷۷۸۵۱۴۳۷-۷۷۸۵۱۶۲۸

سفارش آگهی در پیام رسان های ایتا، بله، تلگرام و واتساپ: ۰۹۱۲۴۳۰۳۰۹۱

کانون آگهی و تبلیغاتی

شماره تماس: ۰۲۱-۷۷۸۵۱۴۳۷

آوا می پاییز

آگهی ها شهرستان: ۰۹۱۳۲۷۱۷۵۰۳

آگهی ها تهران: ۷۷۸۵۱۷۲۵

سینما

نقد

به بهانه‌ی سینمایی «بیتل جوس بیتل جوس» ساخته تیم برتون؛

زایش تراژدی

بیتل‌جوس بیتل‌جوس ساخته تیم برتون که محصول ۲۰۲۴ بوده و دنباله‌ی داستان ۱۹۸۸ تلقی می‌گردد یک اثر فرافانتزی است که تنه‌های عمیقی به سورئالیسم و جادوی در آن زده. در مواجهه‌ی ابتدایی با مکتیزم ماشه‌ی داستان بر پاشنه‌ی تکرار ایراد یا ادامه‌ی قصه روبه‌روایم. اگر نسخه‌ی ابتدایی فیلم «بیتل‌جوس» سابق‌هایی روان‌نژندانه به فانتزیک داشت در نسخه‌ای که درباره‌ی آن بحث می‌کنیم، خود فانتزی مورد هجوم قرار گرفته است. اتصال اعضای جسمانی باتو مونیکا بلوچی، تاکید بر نیم‌کره‌ی غیرطبیعی ویلیام دفو، خواستگاری در مراسم عزا و ماتم و... فکت‌هایی از بازسازی ژانر در این حوزه است که نیاز به بررسی و پژوهش در آن مشاهده می‌شود. سینمای تیم برتون حاصل مدفن اعضای است که روح جدا شده از جسم خود دارند و این ارواح شکل نمادینی از تعلیم و ادبیات دینی به خود گرفته‌اند. البته که سینما به عقیده‌ی من جایی برای نمایش نمادها ندارد و بیشتر این نمادها هستند که نیاز به خوانش سینمایی در آنها دیده می‌شود، اما صراحتاً سینمای برتون پُر شده از اسطوره‌های ذهنی که تلویحی بر اشیاء دارند. اوج این آتش روشن کردن را در «عروس مردگان» می‌بینیم و حتماً گرایش آن به رئالیسم را در «دوارد دست‌قچی» خواهیم یافت. سینمایی که مفاهیمی فراواقع‌گرا در «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» از خود ساتع کرده چگونه به تاکید و ادامه‌ی داستان در «بیتل جوس بیتل‌جوس» می‌رسد؟ این چگونه رسیدن همان اندیشه‌ای است که مثلاً در تاترا اصفهان آوا حدادی پیش گرفته و شکل تراژدی‌ای که در پایان درام‌ها از خود نشان می‌دهد بیشتر بر مرگ و مرگ‌اندیشی تاکید می‌کند تا چگونه رسیدن و احتمالاً ایثار در آن.

***موازی**

داستان‌ها در سینمای برتون بدلیل کنش‌مندی نسبت به شخصیت و کاراکترها از عمق بالایی برخوردارند. مشخصاً در سینمایی «بیتل‌جوس بیتل‌جوس» تماشاگر متنی را خوانش می‌کند که در آن واحد می‌تواند در جایی و مکانی دیگر در حال روی دادن باشد. این جهان‌های موازی در سینمای ژان پیر ژونه هم دیده می‌شود؛ مشخصاً در «شهر بیجه‌ای گمشده» اسطوره‌ها و نمادها به فکت‌هایی مابغزایی



برای تطبیق نامتعارف با واقعیت تبدیل می‌شوند. باید اعتراف کنیم که سینما رأوی مفاهیمی است که توان خروج از یک ساختار روایی را دارند. این ساختار روایی در سینمای ایران در حال فروپاشی است و با این وضعیتی که سینما را فیلم‌های آنگوشتی به نام طنز و کمدی قبضه کرده‌اند، کم کم رویه نابودی کشیده خواهد شد. در سینمای جهان رویا تبدیل به مفهومی تکنولوژیک نزدیک به واقعیت شده؛ جهانی که نشان می‌دهد چگونه مردی بزرگ و قوی با یک بشکن می‌تواند کل دنیا را احریف و صاحب شود همچنان‌که خطرناک است روایی هم هست. روایی که بتدریج تبدیل به وهم شده اما کماکان کارکردهای هری پاتر میبانه خود را دارد. سینمای برتون قطعاً همچنان تماشایی و دیدنی در «بیتل‌جوس بیتل‌جوس» ادامه یافته. سینمایی که تاکید بر موجودیت چیزی فرای اندیشه‌ی انسان دارد، سینمای دوست‌داشتنی است. میثم کزازی در «شین» و وسیع‌تر آن چیزی را تاکید دارد که در «کلید اسرار» تاتر تونج دیده می‌شود. قانونی نانوشته که هستی آن بسته به رفتار آدمها با آدمهاست. چنین هستی‌شناسی‌ای در سینمای برتون با منگنه کردن اعضای بدن مونیکا بلوچی توسط خودش اتفاق می‌افتد.

***زمان**

این نانوشته شکلی از سپردن آدمها به دست زمان است. زمان موجب می‌شود بر تون کاراکترهایی خلق کند که «بیتل‌جوس بیتل‌جوس» را تشکیل دهند. اگر چه میزان محبوبیت و مشهور بودن این کاراکترها به اندازه «دوارد دست‌ قچی» یا «چارلی و کارخانه شکلات سازی» با بازی جانی دپ نشده، و دلیل آن هم ذات خود بازیگر است که از سوی برتون پخویی شناخته شده، اما همچنان مفاهیم طنزانه‌ای از ارتباط ویلیوم دفو در فیلم با مثلا منشی خود می‌توان یافت. زمان سینمای برتون همچنان دست‌ دپ است و زمان «بیتل‌جوس» با تاکید و ادامه دادن آن تنها با یک زایش تراژدی موجب تماشایی شدن می‌گردد. واقعیت آن است که اگر گیرلو مدل تور در فیلم «هزار توی پن» یک اثر فانتزی خلق می‌کند جهان اندیشه‌ورزانه‌ی او به اندازه‌ی «بیتل‌جوس بیتل‌جوس» کمیک و کمدی نیست و گرایش‌هایی به رئالیسم دارد که خلاصه‌ی آن می‌شود: اگر اینگونه باشد بهتر است. جدای از نام یک اثر هنری که می‌تواند هیچ ربطی هم به قصه نداشته باشد باید این توضیح را داد که فیلم تماماً یک اثر هنری است که نیازی هم به هوش مصنوعی و دیگر تکنولوژی‌های به اصطلاح یاری دهنده به تخیل انسان ندارد و بیننده چه‌رپردازی و چه‌راه‌رایی می‌بیند، دکوپاژ، میزان‌سن، تدوین و... سینمای برتون راساخته‌اند.



مونا کریمی / عکس: مجید راد

احمد بهرامی فعالیت هنری خود را با ساخت فیلم های کوتاه و مستند آغاز کرد و پس از ساخت دو فیلم تلویزیونی، اولین اثر سینمایی خود با نام «پناه» را جلوی دوربین برد. «دشت خاموش» عنوان دومین فیلم بلند و اولین سه گانه اوست که موفقیت های بسیاری را از جمله جایزه بهترین فیلم در بخش افق های هفتاد و هفتمین جشنواره بین المللی ونیز برای او به ارمغان آورد. «شهر خاموش» دومین فیلم از سه گانه خاموش او که این روزها در حال اکران در گروه هنر و تجربه است بهانه ای شد تا با ایشان درباره دنیای فیلم سازی گپ بزینم و از «مرد خاموش» عنوان سومین گانه او جويا شويم.

حرکت شما در مسیر فیلم سازی از انجمن سینمای جوانان آغاز شد!

بله من در سن ۱۵ سالگی وارد انجمن سینمای جوانان کرج شدم و در آن جا دوره عکاسی و فیلم سازی را گذراندم. همراه با دوستان سینمای جوانان کرج تعدادی فیلم کوتاه ساختم و گاهی به عنوان فیلم برادر هم فعالیت داشتم. دو سال بعد وارد کار نتاتر در کرج شدم و با استاد آتش تقی پور، خانم مهرانه مهین ترابی و شهین عزیزاده چند نمایش روی صحنه بردیم که هم زمان با اخذ دیپلم شد. پس از گذراندن دوره سربازی کنکور هنر دادم و در رشته کارگردانی سینما در دانشکده سوره تحصیل کردم. در همه این دوران با بچه های انجمن سینمای جوان کرج و انجمن سینمای جوانان تهران فیلم کوتاه می ساختم.

پس از تجربه فیلم های کوتاه و مستند، دو تله فیلم «پایانیک رویا» و « تونل » را برای شبکه یک سیما ساختید!

در دوران دانشجویی با آقای عباس اکبری آشنا شدم که در تلویزیون مدیر یکی از گروه های تولید فیلم بود و از من برای همکاری دعوت کرد. از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ به مدت ۱۰ سال در صدا و سیما شبکه یک فعالیت می کردم که حاصل آن ساخت چند تله فیلم برای تلویزیون و چند مجموعه مستند برای شبکه چهار به نام «نوروز در تاجیکستان» بود که در کشور تاجیکستان ساخته شد و مستند « نوروز در آذربایجان» که در شهر باکو ضبط کردم. همه ی این تجارب باعث شد تا از سال ۱۳۹۳ به دنبال ساخت فیلم سینمایی به شکل جدی و مستقل باشم.

پس از آن تجربه ساخت فیلم سینمایی «پناه» را در مدیوم سینما داشتید. فیلمی که موفق به دریافت جایزه ویژه جشنواره مدیترانه ای کن شد! و روایتگر فضایی متفاوت، که نشان می دهد فیلم سازی دغدغه مند هستید که بیشتر به دنبال فضای تجربی و مفاهیم معناگرا در سینما هستید!

اولین تجربه من در سینمای مستقل ساخت فیلم سینمایی «پناه» بود که در کویر مرکزی ایران می گذشت، روستایی به نام مصر نزدیک شهر خوروبیابانک در مرز استان اصفهان و یزد که تورهای گردشگری دارد. من دوبار برای گردشگری به آن جا رفتم و به سوژه ای رسیدم. زندگی پرسی نوجوان همراه با خانواده که در یکی از خانه ها به مسافران خدمات می داد. کم کم فضا و فرهنگی که دختران و پسران شهری به

روستا می بردند، روی پسر تاثیر گذاشت و عاشق یک دختر شهری شده بود. به نظرم رسید که وقتش رسیده تا تاثیر مخربی که فرهنگ شهری روی فرهنگ روستایی و بومی بگذارد به تصویر دربیاورم که نتیجه قصه فیلم سینمایی « پناه» شد. با بودجه شخصی همراه با همسرم ناهید صدیق که تهیه کنندگی و طراحی صحنه و لباس کار را بر عهده داشت، فیلم را ساختم و در همان سال در جشنواره مدیترانه کن حضور داشتیم و در جشنواره مهاجرت در کشور اسلوونی جایزه بهترین فیلم گرفتیم. البته در بخش بازار اصلی کن در سال ۲۰۱۷ هم حضور داشتیم که پس از آن به انگیزه ای برای من و همسرم تبدیل شد تا به شکل جدی فیلم بلند بعدی را بسازیم.

استقبال از فیلم «پناه» هم صرفاً محدود به دوستداران خاص سینما شد و نه مخاطبان عام!

بله. فیلم سینمایی «پناه» و البته فیلم های دیگر من هم مخاطب خاص دارند. البته طیفی از مخاطبان عام هم که جدی تر سینما را دنبال می کنند می توانند مخاطب فیلم های من باشند. من پس از ۱۸ سالگی و قبل از ورود به دانشگاه، به سینمای کیارستمی، سهراب شهید ثالث و سینمای شاید معناگرا تمایل داشتم و به همین دلیل از سینمای کلاسیک و عوام پسند فاصله گرفتم. فیلم های عباس کیارستمی و جریان سینمای خاص و تجربی را پیگیری کردم و هم زمان با اواخر دوران دانشجویی در ورک شاپ عباس کیارستمی در موسسه کارنامه شرکت کردم که به شدت در من تاثیرگذار بود و باعث شد به سمت سینمای هنری و تجربی بروم.

آیا از ابتدای ساخت فیلم سینمایی «دشت خاموش» به دنبال ساخت سه گانه ای آن بودید؟ یا پس از ساخت «دشت خاموش»، فیلم‌نامه های «شهر خاموش» و «مرد خاموش» به نگارش درآمد؟

زمانی که بر روی سوژه «دشت خاموش» که در یک کوره آجرپزی می گذشت کار می کردم ، خیلی مشخص به این فکر نمی کردم که باید سه گانه بسازم، اما چون قبل تر با سینمای آقای بلاتار کارگردان مجارستانی آشنا شده بودم و به خصوص فیلم های سیاه و سفید ایشان را دنبال می کردم، بسیار تحت تاثیر نگاه ایدنولوی، مدل ساختار، میزانشسن و فضاسازی ایشان در فیلم هایشان قرار گرفته بودم. فکر می کردم در سینمای خود به مدل نگاه ایشان به آدم ها نزدیک شوم و دنبال کنم. زمانی که فیلم نامه «دشت خاموش» را می نوشتم فکر کردم که می تواند با موضوع انسان های حاشیه ای در کنار کلان شهر ادامه داشته باشد و در اواخر کار «دشت خاموش» به «شهر خاموش» رسیدم و فکر کردم سوژه بعد از «شهر خاموش» می تواند ادامه پیدا کند و در یک سه گانه جمع بندی داشته باشد.

از نگاه شما به شخصیت بمانی در شهر خاموش شروع می کنیم! بمانی شهر خاموش نماد چیست؟

به نظرم بمانی می تواند نماینده تعداد زیادی از خانم های جامعه باشد. آن هایی که نه فقط در جامعه امروزی، بلکه در گذشته های دورتر و حتی در طول تاریخ، در حقشان اجحاف شده و متأسفانه در جایگاه دوم قرار گرفتند. این مختص کشور ما و خاورمیانه نیست و حتی در جوامع صنعتی هم وجود دارد و با وجود پیشرفت هایی که بشر داشته اما هنوز به جایگاهی که باید نرسیدند. بمانی نماینده قشر بزرگی از زن هایی است که بی گناه در معرض اتهام از طریق قانون و جامعه مرد سالاری قرار می گیرند و حقشان ضایع می شود. حال پس از یک دهه تحمل رنج و سختی در زندان های زندگی خصوصی، تصمیم می گیرند خودشان اقدام می کنند.

وی در خصوص لغو مجوزها که اخیراً اتفاق افتاده، توضیح داد: «ما موظف هستیم قوانین را رعایت کنیم. اگر رسانه‌ای به مدت طولانی غیرفعال باشد یا تخلفاتی از آن مشاهده شود، ممکن است مجوز آن لغو شود. البته لغو مجوز هم می‌تواند به درخواست مکتوب خود رسانه انجام شود و فعلاً این فرآیند یک‌طرفه نیست.» زارعی خاطر نشان کرد: «تعداد پلتفرم‌هایی که اخیراً مجوز آن‌ها لغو شده، به خاطر عدم فعالیت، تخلف رسانه ها یا درخواست مکتوب خود رسانه‌ها بوده است.

در حال حاضر، حدود ۵۰ رسانه وجود دارند که در حال بررسی بیشتر برای تصمیم‌گیری در خصوص لغو یا عدم لغو

«احمد بهرامی» نویسنده و کارگردان فیلم

روایت معضلی جهانی

امید را از پایان تیتراژ به بعد



کنند و حقشان را از جامعه مرد سالار یا بهتر بگویم صنعتی سالاری پس بگیرند.

فیلم با وجود این که در فرم به شکل فمینیستی روایت می‌شود و روایتگر حق خواهی زن برای پس گیری فرزندش است، فضایی مرد سالارانه دارد که نگاه جنسیتی به زن دارد. چگونه توانستید این دو مفهوم را همزمان که هر دو بر لبه تیغ حرکت می‌کند به تصویر بکشید؟

باید در این باره مفصل صحبت کرد. اما من آن چه در جامعه دیدم، در فیلم انعکاس دادم. شاید از زیست من در این ۴۰ سال بر بیاید و مواجه ای که از زن های اطرافم مادرم، خواهرم، همسرم و زن های غریبه تر در جامعه دیدم یا فیلم هایی که از تلویزیون دیدم و مسائلی که شنیدم. به هر حال کار سختی نبود که این دو موضوع را موازی جلو ببرم و چالشی برای من در فیلم نامه و ساخت فیلم ایجاد نکرد.

*در سینمای ایران زمانی که فیلم هایی از جنس درد و رنج و تباهی ساخته می‌شود سریع برچسب سیاه نمایی می‌خورد، در حالی که روایتگر حقیقت های جامعه است. اما منکر این نمی‌توان شد تماشای این میزان تلخی و سیاهی برای مخاطب هم آزار دهنده است!

در هیچ کدام از آثارم به دنبال این نبودم که با تصویر کشیدن قصه آدم های حاشیه ای در جامعه و شهرهای بزرگ سیاه نمایی کنم یا آن را غیر واقعی نشان دهم. به هر حال در زندگی آدم های حاشیه ای که خارج از گردونه و محیط تمدن و پیشرفت قرار دارند، تلخی ، ناراحتی و سرخوردگی وجود دارد. وقتی ناخودآگاه به سمت این سوژه ها می‌روید این تلخی و سیاهی به فیلم سرایت پیدا می‌کند و بستر این گونه فیلم‌ها هستند، اما هدف اصلی من واقع نمایی بوده که تلاش کردم تا جایی که می‌توانم به حقیقت ماجرا نزدیک شوم و آن را نشان دهم.

اساساً رسالت سینما و فیلم ساز در چنین مواقعی چه باید باشد و خاصه درباره سه گانه شما؟!

درباره رسالت فیلم ساز به جمله ای از عباس کیارستمی اشاره می‌کنم که می‌گفت کار فیلمساز ارائه راه حل نیست و پیدا کردن راه حل برای مشکلات و رسالت تعیین کردن برای فیلم ساز محلی از اعراب ندارد. رسالت یک جامعه به دست سیاسیون جامعه شناسان و ...است. فیلم سازان فقط می‌توانند مسائل را مطرح کنند و نشان دهند و کار فیلم ساز بیشتر ایجاد پرسش است که من هم تلاش کردم مثل عباس کیارستمی در ذهن مخاطب سوال ایجاد کنم.

به لحاظ فضا سازی، داستان فیلم در محوطه متروک ماشین های اسقاطی می‌گذرد. درباره انتخاب چنین لوکیشن و فضای در راستای فیلم نامه توضیح دهید؟

در فیلم سینمایی« شهر خاموش «انتخاب مرکز اسقاط ماشین به عنوان لوکیشن از این نظر برای من مهم بود که بعد از «دشت خاموش» که در محیط کارگری و کوره پزی می گذشت، در فیلم بعدی تعدادی از دشت خاموش به



مجوز آنها هستیم و کارشناسی‌ها و بررسی‌های لازم برای هر یک از آن‌ها انجام خواهد شد.»

او همچنین افزود: «حمایت از رسانه‌ها بر اساس نظام جامع رتبه‌بندی و ارزیابی صورت می‌گیرد که ۱۶۰ شاخص برای هر رسانه تعریف شده است. فعلاً ۳۸ شاخص از این معیارها اعمال می‌شود و تمامی پلتفرم‌های دارای مجوز تحت نظارت داوران ارزیابی قرار دارند.

اگر کارشناسان به این نتیجه برسند که یک رسانه به مدت طولانی غیرفعال است، با هماهنگی خود رسانه، مجوز آن لغو خواهد شد. اما لغو مجوز به‌صورت دیگر از طریق دادستانی و کمیته رسیدگی به تخلفات مستقر در ساترا نیز ممکن است.»

سینما و تئاتر

نگاه

درباره سریال «بازنده» اثر «امین حسین پور»

پرفکت!



عباسعلی اسکینی

در این هفته های تولیدهای بی محتوا و بی سر و ته نمایش خانگی که قابل دفاعترین آنها جوکر است، بازنده یک شاهکار محسوب می شود، تازه ترین ساخته امین حسین پور که می توان آن را در یک کلمه توصیف کرد: پرفکت!

بازنده یعنی پکیج کامل یک اثر خوب، از متن تا تصویر و از بازی ها تا کارگردانی، داستانی که در عین سادگی آنقدر پیچیده است که شاید به راحتی نتوانید ادامه ماجرا و قسمتهای پیش رو را حدس بزنید، اثری که بدون تردید و برخلاف بسیاری از محصولات تولید شده در این روزها حاصل بارها و بارها دوباره نویسی تمام دیالوگها است، پشت آن فکر بوده و قطعاً برای خلق آنها زمان و ارزش بسیاری گذاشته اند تا امروز هیچکدام از سکانس های آن با تیتراژ «گافهای سریال بازنده» و ایرال نشود، انگار یک سریال خارجی را در قلب تهران تولید کرده اند!

شاید برایتان عجیب باشد که اکثر این تصویرهای تماشایی و بکر در لوکیشن هایی فیلمبرداری شده که دکور آنها مختص این اثر ساخته شده اند، گرچه تصاویر چشم نواز هستند اما تنها برای خوشگل تر



شدن کار گرفته نشده اند، مثلاً تماشای تصویر رویا جاویدنیا و سارا بهرامی از بین شعله های شومینه اتفاقی نیست، تماشای بیپوش شدن صابر ابر از درون کیسه حمل جسد یا تماشای مرگ سعید از نگاه چشمهای قاتل، در نتیجه نگاه مخاطب به اکت های متفاوت از زاویه های خوب اتفاق می افتد، انگار همه چیز از قبل در ذهن کارگردان تصویرسازی شده است، پلان به پلان! همه چیز تقریباً به جا است، مثل انتخاب بازیگرها هوشمندانه، یک پازل درست! چه کسی بهتر از رویا جاویدنیا می تواند نقش یک خانم مسن سرد را اینقدر خوب بازی کند؟ قطعاً علیرضا کمالی برای اینگونه نقش ها آفریده شده و سارا بهرامی و پیمان



قاسم خانی با این کاراکترها در خاطر خواهند ماند، محمد علی محمدی باید آنجا قرار داشته باشد و صابر ابر هر چند شبیه همیشه اما این دفعه به نقش می خورد، صدف اسپهبدی بعد از علرفزار حالا در یک نقش جدی مهم دیگر که احتمالاً پرنگ تر خواهد شد و شخصیت های کمرنگ تر هم به حال خود رها نشده اند، مهدی رکنی، سپیده مولوی، الهه اذکباری، علی مردانه، کودکی های سارا بهرامی، ترنم کرمانیان! با این رویه، باید منتظر یک امیر غفارمنش متفاوت هم باشیم...

بازنده را می توان جایگزین کلمه «احترام به مخاطب» در لغت نامه دهخدا کرد! اثری که شما را دچار یک پارادوکس عجیب می کند که ای کاش این سریال هیچوقت تمام نشود و یا اینکه بهتر است خیلی طولانی نباشد تا اسیر یکنواختی و تکرار مکررات نشود! حتماً در پایان قسمت پایانی، دوباره از بازنده خواهیم نوشت...



جدیدی که تا پایان سال آن را می سازم می تواند تا حدودی از این سه گانه خاموش فاصله بگیرد و البته سیاه و سفید نیست و شاید فیلم کم رنگ باشد. همین مسیر را با کمی تغییرات جزئی در روند فیلم سازی ادامه می دهیم.

با توجه به حاشیه های پیش آمده برای باران کوثری و ممنوع تصویری، در اکران فیلم مشکلی پیش نیامد؟

یکی از غایبان حاضر در همه نمایش های ما باران کوثری است و لازم به توضیح نیست که بازیگر توانمندی هستند و بازی های خوب ایشان را در ذهن داریم. رخشان بنی اعتماد یکی از سرمایه های بزرگ سینمای ایران است و هم چنین همسرشان جهانگیر کوثری. این خانواده هنری جایگاه بزرگ و تاثیرگذاری در سینمای ایران دارند. وزارت ارشاد اجازه نداد از تصویرباران کوثری در سردر سینماها، بیلبورد و تبلیغات استفاده کنیم، حتی به ما گفتند که نمی توانیم پوستر کار را با صورت ایشان کار کنیم و یا گفته شد اسم ایشان نمی تواند نفر اول در روی پوستر باشد که حتی عکسی از او نیست منتشر شود. این مسائل خیلی ناراحت کننده است. امیدوارم با توجه به فضای جدید سیاسی کشور و روی کار آمدن ریاست جمهوری، تغییراتی که قرار است در ارگان ها به خصوص وزارت ارشاد صورت بگیرد، بتوانیم این مسائل را حل کنیم. دوستان و مدیران وزارت ارشاد فضا و شرایطی را ایجاد کنند که بازیگری مثل باران کوثری که سال ها برای سینما زحمت کشیده است فعالیت خود را ادامه دهد و همه خانم هایی که در دو سال اخیر به هر علتی ممنوع الکار شدند به سینما برگردند تا شاهد شکوفایی سینما با بازی این خانم ها باشیم.

«آیا شهر خاموش» قرار است در جشنواره دیگری به اکران دربیاید؟

بله. فیلم «شهر خاموش» هنوز در چند جشنواره دیگر تا آخر سال پذیرش داشته است و تابستان سال گذشته در سینمای فرانسه به مدت ۳ ماه اکران شد. چند کشور دیگر فیلم را خریداری کردند که تا آخر سال میلادی و اوایل سال میلادی جدید فیلم را به نمایش درمی آورند.

و در پایان برنامه تان برای اکران «مرد خاموش» چه زمانی است؟

«مرد خاموش» ادامه دهند و تکمیل کننده دو فیلم قبلی است. اولین نمایش جهانی فیلم، امسال در جشنواره شانگهای بود که جایزه جام طلایی دستاورد هنری جشنواره شانگهای به این فیلم داده شد. اگر کسی هر سه فیلم را ببیند به جمع بندی از داستان و سوز که در ذهنم بوده می رسد و تا حدودی تعداد کوچکی از پرسش ها در فیلم آخر پاسخ داده می شود. انشالله اوایل سال بعد «مرد خاموش» را اکران می کنیم. در پایان می خواهیم از شما دوستان رسانه ای تشکر کنم. بخش مهمی از مسیر فیلم سازی که ما طی می کنیم، توسط شما دوستان مطبوعاتی و منتقدین شکل می گیرد و به ما کمک می کند تا آثار به مخاطبان شناسانده شود و برای ما انگیزه ای ایجاد می کند که به کار ادامه دهیم.

من به عنوان کارگردان این سه گانه مدیون انسان هایی هستم که به عنوان تهیه کننده، فیلمبردار، صدابردار و همه ی عوامل همکاری کردند و باعث شدند تا این مسیر ۶ ساله سخت را در کنار این دوستان به راحتی عبور کنیم و این سه فیلم را بسازم. از آن ها تشکر می کنم و امیدوارم بتوانم به زودی با تک تک آن ها کار کنم.

مر ترضی اعلامی تهیه کننده فیلم کوتاه «تا صبح»:

رساندن صدای مادران مقاومت به گوش جهان

مر ترضی اعلامی تهیه کننده فیلم کوتاه «تا صبح» گفت که هدفش از ساخت این فیلم رساندن صدای مادران مقاومت به گوش جهانیان بوده است. مر ترضی اعلامی تهیه کننده فیلم کوتاه «تا صبح» که در بخش «شاخه زیتون» چهل و یکمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران حضور دارد درباره شکل گیری ایده این فیلم کوتاه توضیح داد: در واقع الهام هادی نژاد که نویسنده و کارگردانی فیلم را برعهده دارد، تجربه بیماری فرزند کم سن و سال خودشان را درحالی که در یک خانه در عراق محبوس شده بودند، داشتند که تجربه بسیار سخت و تلخی بود. وی افزود: این تجربه در کنار مساله غزه و داستان بیمارستان شفا و رساندن صدای مادران مقاومت به گوش جهانیان موتور محرک ثانویه تولید این فیلم بود. همچنین یک دغدغه مهم دیگر ما هم نشان دادن تاثیری است که ایران در حمایت از جریان مقاومت دارد این تهیه کننده درباره موضوع «تا صبح» بیان کرد: خانم هادی نژاد همواره تلاش دارد تا مساله زنان و روایت زانه را در کارهایش داشته باشد و این بار هم موضوع مادران در دل جنگ غزه سوزده ایشان شد و تلاش کردیم تا در فیلم به این موضوع بپردازیم. تهیه کننده فیلم کوتاه «تا صبح» درباره حضور در بخش جنبی جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران

بیان کرد: از آنجایی که زمان کافی نداشتیم، با نسخه اولیه فیلم برای حضور در جشنواره ثبت نام کردیم و پس از پذیرش در یک فرآیند خیلی فشرده پس تولید را انجام دادیم و به لطف خدا فیلم را به بخش جنبی جشنواره رساندیم. چون فرصت برای رقابت در بخش اصلی به اتمام رسیده بود، «تا صبح» را در بخش «شاخه زیتون» ارائه کردیم و شکر خدا در این بخش حضور داریم. اعلامی درباره مهم ترین ویژگی «تا صبح» گفت: من به شخصه به مخاطبان می گویم که با تماشای فیلم کوتاه «تا صبح»، یک فیلم سینمایی را در ۱۲ دقیقه تجربه خواهند کرد. به عنوان نکته آخر هم این را بگویم که این اثر از سمت من و الهام هادی نژاد به روح شهید حسن تهرانی مقدم تقدیم شده است که این قدرت و بزرگی از برکات وجود ایشان است. فیلم کوتاه «تا صبح» به نویسندگی و کارگردانی الهام هادی نژاد برای اولین بار در بخش «شاخه زیتون» جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران به نمایش درمی آید. فیلم «تا صبح» در یازده دقیقه و هجده ثانیه روایت می شود و در خلاصه داستان این فیلم آمده است: هیام فقط یک شب زمان نیاز دارد تا نوزادش زنده بماند... آیدنا ماهیانی، اینسام بغلانی، محسن سروش و بازیگر نوزاد محمدالیلیا توکلی در این فیلم به ایفای نقش پرداخته اند.

«شهر خاموش» در گفتگو با «هنرمند»
در قالب قصه های انسانی

در ذهن مخاطب می بینم



شهر می رفتند. می خواستم در ادامه قصه «دشت خاموش» قصه یک منطقه از شهر را بگویم که آدم ها در آن گرفتار می شوند. ولی شهری که می خواستم در «شهر خاموش» نشان دهم شهری که به این شکل می بینیم نیست، به نظرم ماحصل این شهر (ماشین و ابزار) می تواند نماد یک شهر باشد و گویی پایان یک شهر را انتخاب کردم، برای همین بمانی را وارد این فضا کردم و به قصه ای که دوست داشتم تعریف کنم نزدیک بود. ضمن این که تک لوکیشن بود و می توانست خیلی به من کمک کند.

با وجود فضای غمگین فیلم و پایان تلخ سرنوشت بمانی، چرا اجازه ورود بارقه های امید را در روایت قرار ندادید؟

فیلم های من و فیلم های از این دست که قبل تر از من ساخته شدند، برخلاف سینمای کلاسیک پایان شاد و یا نقطه روشن ندارد. پایانی که مخاطب منتظر باشد تا لقمه آماده شده در دهانش گذاشته شود و به یک جمع بندی و راه حل برسد وجود ندارد. وظیفه و مدل فیلم سازی من این گونه نیست که راه حل ارائه دهم. البته «مرد خاموش» «پایان متفاوت تری دارد ولی در «دشت خاموش» و «شهر خاموش» پایان پرسشگری دارد. امیدوارم وقتی مخاطب از سالن سینما بیرون می رود به این فکر کند چه می شود کرد که بمانی (در شهر خاموش) و لطف الله (در دشت خاموش) به وجود نیاید. من فیلم را تلخ و بی امید نمی بینم، بلکه امید را از نقطه پایان تیتراژ به بعد در ذهن مخاطب می بینم که تلنگری به او بزند که چه باید کرد تا پایان های تلخ برای انسان های اطراف به وجود نیاید.

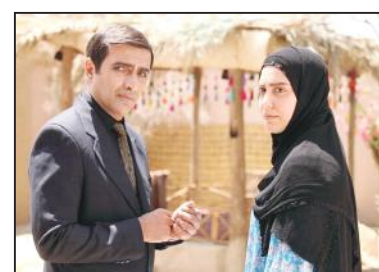
درباره موتیف فیلم، بخش موزیک همراه با تصویری مکرر از بمانی و بستن درهای آژونک مردانه بگویند!

تم بسیار پر رنگ در این سه گانه، تم تکرار است که جزء یکی از اصلی ترین ساختارهای فیلم است. به طور کلی در زندگی روزانه درگیر یک سری موقعیت ها، دیالوگ ها و گفتگوهای تکراری هستیم که این تم وارد فیلم هم شده است.

چرا فضای فیلم سیاه و سفید است؟ آیا در راستای این درام پر رنج چنین انتخاب شد؟

سه گانه خاموش تعدادی مولفه های مشابه دارد، مثل سیاه سفید بودن، قطع چهار به سه کلاسیک که یادآور سینمای کلاسیک و گذشته است. مثل مدل میزانشن های کلیت فیلم ها در دکوپاژها همه پلان سکانس هستند و ما سکانس را خورد نکردیم و همه صحنه ها در یک سکانس اتفاق می افتد که سکانس، پلان گفته می شود. سیاه و سفیدی فیلم جزئی از ساختار سه گانه من بود. ضمن این که این سه سوز که سه گانه خاموش را شکل دادند، هر سه به زندگی انسان های در حاشیه یک شهر بزرگ می پردازند که به نظرم در زندگی آدم های در حاشیه شهر به آن معنا رنگ وجود ندارد. ما در ابتدا در «دشت خاموش» با مسعود امیری تیرانی (مدیر فیلم برداری) که تاثیرگذارترین همکار در این سه گانه هستند به این نتیجه رسیدیم که رنگ را

مرکز تحقیقات و معاونت فضای مجازی رسانه ملی اعلام کرد:
۴۵ درصد از مخاطبان تلویزیون «طوبی» را دیدند



حضور رئیس سازمان صداوسیما از عوامل و بازیگران این مجموعه پرمخاطب تلویزیونی تقدیر به عمل آمد. سریال تاریخی «طوبی» از سیزدهم مرداد به کارگردانی سعید سلطانی روانه آنتن شبکه یک سیما شد؛ این سریال اقتباسی از داستان کتاب «اربعین طوبی» اثر محسن امامیان است. داستان این کتاب که برگزیده «جایزه جهانی اربعین» هم شده، درباره زندگی زنی است که به بخش عمده ای از تاریخ معاصر ایران و عراق را به چشم دیده است. رحیم نوروزی، فریبا متخصص، پرویز فلاحی پور، هومن برق نورد، امین زندگانی، فرهاد آیش، شبنم قربانی، رامین راستاد، مهدی سلوکی، سودابه بیضایی از بازیگران این سریال هستند.

بر اساس اعلام مرکز تحقیقات رسانه ملی، مجموعه نمایشی «طوبی» که از پر مخاطب ترین مجموعه های تلویزیونی محسوب می شود، توانسته است با ۴۵ درصد مخاطب از میان بینندگان تلویزیونی، جامعه آماری ۲۰ میلیون مخاطب را از آن خود کند. بر اساس گزارش منتشر شده اتاق وضعیت معاونت فضای مجازی رسانه ملی، که به بررسی «میزان بازدید سریال طوبی در فضای مجازی» پرداخته است، بیش از ۶۰ هزار محتوای قطعی شده از این سریال که در پنج بستر تلگرام، توئیتر، اینستاگرام، اپتا و روبیکا منتشر شده، در مجموع ۴۰۰ میلیون بازدید را به خود اختصاص داده است. این میزان مشاهده محتوا در فضای مجازی نشان دهنده استقبال خوب از این مجموعه نمایشی در میان مخاطبان است که «طوبی» را به پربازدیدترین و محبوبترین سریال رسانه ملی در میان کاربران فضای مجازی در سال ۱۴۰۳ تبدیل کرده است. همچنین تعداد نظرات منتشر شده ذیل محتوای مرتبط با سریال ۶۰۰ هزار مورد بوده و محتوای قطعی شده در مجموع ۱۰ میلیون پسند (لایک) از سوی کاربران دریافت کرده است. چند شب گذشته در نشست با

